Theories and criticism in Arabic literature
The Fourth year, Number ١٥, Autumn١٤٠٣
Pp:١- ٢٠

Research Paper

DOI: ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٦٢٨٦٨.١٠٨٣

Analysis of the novel "The Girls of Riyadh" based on Elaine Showalter's feminist criticism (components of the cultural approach)

Samira Ghazanfari[١]

Naimeh Parandavaji[٢]

Somayeh Al-Sadat Tabatabaei[٣]

(Received: ٢٠٢٥,١١,٢٨ ,Accepted: ٢٠٢٥,١٢,١٢)

Abstract

Ellen Showalter (١٩٤١), an Anglo-American feminist critical theorist, proposed a theory entitled "feminine criticism". The main goal of this critique is to consider a specific framework for analyzing and explaining women's works. According to Showalter, women have their own unique feminine writing because of their shared biological and social experiences, which are reflected in their writing and stories. Focusing on the analysis of literary texts, she introduced four approaches to the study of literary works, which are: Biological, linguistic, psychoanalytic, and cultural approaches. Among these approaches, the cultural approach analyzes the novel by examining components such as concern for life and economic independence, women's resentment of historical oblivion, self-discovery and expression of the reality surrounding women, traditional and forced marriage, limited education for women, insults and humiliation of women, women's employment, etc. This article uses a descriptive-analytical method to examine the novel "The Girls of Riyadh" written by Raja Abdullah Sane with the cultural approach of Elaine Showalter. By reading the novel based on this approach, we will examine the living conditions, problems, and issues of Saudi women and girls in the early years of the ٢١st century. The research findings show that all components of the cultural approach, such as violence against women in both physical and mental dimensions, traditional marriage, humiliation and insults of women, men's desire for diversity, women's self-discovery, women's employment and their financial independence, patriarchal society and the restrictions governing women's lives, etc., are well reflected in the novel, and the author has been able to portray the conditions governing women in Saudi society.

Keywords: Elaine Showalter, feminist criticism, cultural approach, Saudi, Raja Abdullah Sane, The Girls of Riyadh.

---

١. Master's degree student, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: Samiraghazanfari٦٧@gmail.com

٢. Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: parandavaji@kub.ac.ir (Corresponding author)

٣. Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Humanities, Kosar University of Bojnord, Bojnord, Iran, Email: Sst١٣٦٣@yahoo.com

© **The Author(s).** **Publisher**: Kosar University

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الرابعة، العدد ١٥، خريف ١٤٠٣

صص: ٢٠ -١

DOI: ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٦٢٨٦٨.١٠٨٣

تحلیل رمان «بنات الریاض» بر اساس نقد زنانه‌ی الین شوالتر (با تکیه بر مؤلفه‌های رویکرد فرهنگی)

سمیرا غضنفری [١]

نعیمه پراندوجی [٢]

سمیه سادات طباطبایی [٣]

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۴،۰۹،۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴،۰۹،۲۱)

چکیده

الن شوالتر (۱۹۴۱) از نظریه‌پردازان نقد فمینیستی انگلیسی ـ آمریکایی نظریه‌ای با عنوان «نقد زنانه» را مطرح کرد که هدف اصلی آن در نظر گرفتن چارچوب مشخصی برای تحلیل و توضیح آثار زنانه است. به نظر شوالتر، زنان به دلیل تجربه‌های زیستی و اجتماعی مشترکشان که در نوشتار و داستان‌هایشان منعکس می‌گردد، نوشتار زنانه‌ی خاص خود را دارند. او با تمرکز بر تحلیل متون ادبی برای مطالعه‌ی آثار ادبی چهار رویکرد معرفی کرد که عبارتند از: رویکرد زیست‌شناسانه، زبان‌شناسانه، روانکاوانه و فرهنگی. از میان این رویکردها رویکرد فرهنگی با بررسی مؤلفه‌هایی مانند دغدغه‌ی زیست و استقلال اقتصادی، بغض فراموش‌شدگی تاریخی زن، خودیابی و بیان واقعیت پیرامون زنان، ازدواج سنتی و اجباری، محدودیت آموزش زنان، توهین به زنان و تحقیر آن‌ها، اشتغال زنان و ... به تحلیل رمان می‌پردازد. این مقاله با روش توصیفی ـ تحلیلی به بررسی رمان «بنات الریاض» نوشته‌ی رجاء عبدالله صانع با رویکرد فرهنگی الین شوالتر می‌پردازد تا با خوانش رمان بر اساس این رویکرد به بررسی شرایط زندگی، مشکلات و مسائل زنان و دختران عربستان در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم بپردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تمام مؤلفه‌های رویکرد فرهنگی مانند خشونت علیه زنان در دو بُعد جسمی و روحی، ازدواج سنتی، تحقیر و توهین زنان، تنوع‌طلبی مردان، خودیابی زنان اشتغال زنان و استقلال مالی آن‌ها، جامعه‌ی مردسالار و محدویت‌های حاکم بر زندگی زنان، و ... به خوبی در رمان متجلی شده و نویسنده به خوبی توانسته است شرایط حاکم بر زنان جامعه‌ی سعودی آن را به تصویر بکشد.

واژگان کلیدی: الین شوالتر، نقد زنانه، رویکرد فرهنگی، سعودی، رجاء عبدالله صانع، بنات الریاض.

---

١. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد- ایران، ایمیل: Samiraghazanfari٦٧@gmail.com

٢. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد ایران، ایمیل: parandavaji@kub.ac.ir (نویسنده مسئول)

٣. دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کوثر بجنورد، بجنورد، ایران، ایمیل: Sst١٣٦٣@yahoo.com

© حق مولف نویسندگان **ناشر:** دانشگاه کوثر

۱. مقدمه

نقد فمینیستی یکی از رویکردهایی است که امروزه در خوانش آثار ادبی مورد استفاده قرار می‌گیرد که دارای مکاتب متعدد و نظریه‌پردازان مختلفی است. الین شوالتر نویسنده و یکی از منتقدین ادبی فمینیستی آمریکایی است. در شهر بوستون ایالات ماساچوست آمریکا دیده به جهان گشود. از بنیانگذاران نقد ادبی فمینیستی در دانشگاه‌های آمریکا است. شوالتر سبب ارتقا و بسط مفهوم نقدهای زن محور در تئوری و عمل شد. وی به نگارش کتاب‌های متعددی در زمینه نقد ادبی فمینیستی پرداخت و با تأثیرپذیری از فمینیسم فرانسه نظریه‌ی زیبایی‌شناسانه زنانه را مطرح کرد. او معتقد است که زبان و روایت ادبی زنان نویسنده، باید خود را از محدودیت‌های سنت ادبی مرد سالارانه رهایی بخشد (کاستل، ۲۰۰۶:۲۴۴). او برای اولین‌بار واژه‌ی جینوکریتیسیزم[۱] را در نقد آثار ادبی زنان به‌کار برد که به معنای مطالعه سنت‌های ادبی منحصر به فرد نویسندگان زن می‌باشد. شوالتر در کتاب معروف خود با عنوان «ادبیاتی از آن خود» (۱۹۷۶) تاریخ رمان‌نویسی زنان انگلستان را بازنویسی کرده و توانست جایگزین مناسبی به جای سنت مردانه رمان‌نویسی معرفی کند. او معتقد است نظریه‌پردازان فمینیسم در فرآیند نقد آثار نویسندگان زن، به جای پذیرش مدل‌ها و تئوری‌های نقد ادبیات مردانه باید به بررسی آثار زنان نویسنده بر اساس تجربیات خود آن‌ها به عنوان تولیدکنندگان این نوع ادبیات بپردازند. وی برای بررسی و نقد آثار زنان الگویی را مطرح می‌کند که دارای چهار رویکرد است: رویکرد زیست‌شناسانه، زبان‌شناسانه، روانکاوانه و فرهنگی که پرداختن به هر یک از این موارد کوششی برای تحلیل و تبیین کیفیت یک اثر زنانه است. از میان رویکردهای مذکور رویکرد فرهنگی به مسائل اجتماعی و نوع نگاه به زن از سوی جامعه‌ی موصوف در اثر ادبی می‌پردازد. در این بخش به چگونگی نقش اجتماع در شکل دادن به کار و فعالیت زنان توجه می‌شود. از این حیث می‌توان سطح فرهنگی را گونه‌ای از نقد جامعه‌شناختی دانست؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای که نویسنده در آن زندگی می‌کند و نیز موقعیت فردی او در تعامل با مردم، ساختار و محتوای اثر وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی ادبیات نیز شرایط اجتماعی و اوضاع فرهنگی را که نویسنده در آن به نگارش اثر خود پرداخته است، مطالعه می‌کند؛ زیرا متن ادبی را بازتاب نمادینی از جهان اجتماعی می‌داند (ژانژامبر، ۱۹۹۶: ۱۴). به دلیل اهمیت رویکرد فرهنگی و مفهوم گسترده‌ی آن پژوهش حاضر با تمرکز بر این رویکرد به مطالعه‌ی رمان «بنات الریاض» با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی می‌پردازد تا به مطالعه‌ی شرایط زندگی زنان عربستان با تکیه بر این الگو بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که مؤلفه های رویکرد فرهنگی چگونه در رمان متجلی شده و نویسنده با تکیه بر این رویکرد واقعیت‌های زنان جامعه‌ی عربستان را چگونه بازتاب داده است؟

۱-۱. پیشینه‌ی پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که تعدادی از پژوهشگران به مطالعه‌ی رمان‌های فارسی و عربی بر اساس الگوی الین شوالتر پرداخته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد: مهرناز طلائی (۱۳۹۷) در مقاله‌ی (بررسی رویکردهای چهارگانه نقد فمینیستی الین شوالتر در رمان نقره دختر دریای کابل اثر حمیرا قادری) به بررسی رویکردهای چهارگانه نقد الین شوالتر پرداخته و به این نتیجه رسیده که در این رمان رویکردهای الین شوالتر به خوبی منعکس شده است. زینب نیستانی در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تطبیقی رمان اصل و فصل سحر خلیفه و رمان طوبا و معنای شب اثر شهرنوش پارسی پور بر اساس رویکرد فرهنگی الین شوالتر» به بررسی مؤلفه‌های رویکرد فرهنگی الین شوالتر برداخته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که

هر دو نویسنده در مورد فعالیت زنان در جامعه و حق تضییع شده‌ی آن‌ها دیدگاه مشابهی دارند؛ اما تفاوت آنان این است که پارسی پور بیش‌تر به مسأله‌ی زن و حضور او در جامعه پرداخته و سحر خلیفه در کنار مسأله‌ی زن و حضور او در جامعه به مسأله‌ی فلسطین و اشغال نیز پرداخته است. مهناز مهاجری (۱۳۹۷) در پایان‌نامه‌ی خود (بررسی انگاره‌های فمینیستی در رمان بنات الریاض اثر رجاءعبدالله الصانع و دالان بهشت اثر نازی صفوی) به این نتیجه رسیده که هر دو نویسنده در به تصویر کشیدن انگاره‌های فمینیستی بسیار موفق عمل نموده و توانسته‌اند یکی از عوامل و شاید مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر پدیده‌ی حاشیه کشیده شدن زنان، یعنی حاکمیت مطلق مردان را به تصویر کشند؛ اما رمان رجاءعبدالله صانع بسیار ساختار شکنانه است. مهشاد شهبازی و همکاران در مقاله‌ی خود به بررسی «تحول خودآگاهی در آثار داستان‌نویسان زن ایرانی بر اساس نظریه الین شوالتر» پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که الگوی شوالتر در مورد زیر فرهنگ ادبی زنان ایرانی نیز صدق می‌کند با این تفاوت که گذر از مرحله‌ی دوم و ورود کامل به مرحله‌ی سوم فقط از سوی شهرنوش پارسی پور و در رمان عقل آبی محقق شده است. سودابه فریدی در مقاله‌ی «رمان پرنده من از فریبا وفی بر اساس الگوی چهارگانه الین شوالتر» به این نتیجه رسیده که نویسنده در نشان دادن جنبه‌های زیست‌شناسانه تا حدی به جزئیات پرداخته و در بخش رویکرد روانکاوانه حسادت، انعطاف‌پذیری و پرحرفی زنانه بیش‌ترین بسامد را به خود اختصاص و در بخش رویکرد فرهنگی وفی تلاش کرده با انواع خشونت نسبت به زنان در جامعه، جامعه‌ی مرد سالار را زیر سوال ببرد. فاطمه منهوئی در پایان‌نامه‌ی خود «نقد فمینیستی «بنات الریاض» اثر رجاءعبدالله الصانع» (۱۳۹۷) با تکیه بر رویکردهای فمینیستی و دیدگاه زن محور، به بررسی تصویر زن در این رمان پرداخته و به این نتیجه رسیده که رمان گواه دغدغه‌ی زنانه‌ی نویسنده‌ی آن است و مضمون رمان، گویای مسائل عاطفی‌ـ اجتماعی زنان در برابر مردان، جامعه، مسائل و محدودیت‌های زنان در جامعه و حکومت عربستان می باشد.

تأمل در پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که تاکنون پژوهشی به بررسی رویکرد فرهنگی الین شوالتر در رمان «بنات الریاض» نپرداخته است. با توجه به اهمیت این رویکرد در تحلیل رمان و نقش رمان در ترسیم زندگی و مسائل اجتماعی‌ـ فرهنگی زنان سعودی پژوهش حاضر به بررسی این رمان با تکیه بر این می‌پردازد.

۱-۲. رجاء عبدالله صانع و رمان «بنات الریاض»

رجاء عبدالله صانع متولد ۱۸۹۱ م در ریاض در خانواده‌ایی پزشک متولد شد. مدرک کارشناسی خود را در رشته‌ی دندانپزشکی از دانشگاه ملک سعود در سال ۲۰۰۵ دریافت کرد و تحصیلات خود را در ایالات متحده با حمایت از برنامه‌ی بورسیه‌ی ملک عبدالله ادامه داد. او با رمان «بنات الریاض» به شهرت رسید. این رمان اولین بار در سال ۲۰۰۵ در لبنان به عربی و در سال ۲۰۰۷ به انگلیسی منتشر شد. این کتاب در زادگاه نویسنده هرگز اجازه انتشار نیافت. رمان ابتدا به صورت پست‌های الکترونی و ایمیل بود که نویسنده هر هفته برای کاربران خود قسمتی از زندگی دوستانش را می‌نوشت و منتشر می‌کرد و سپس همه‌ی این ایمیل‌ها را جمع‌آوری و در قالب رمان «بنات الریاض» به چاپ رسانید.

رمان به روایت وقایع زندگی چهار دختر اهل ریاض از دوران دبیرستان تا تعیین مسیر زندگی‌شان می‌پردازد. دخترانی که هر کدام به

نحوی مورد بی‌مهری و ظلم مردان و سنت‌های جامعه قرار گرفته‌اند. هر کدام از این دختران در دنیای دخترانه‌ی خود پیوسته از این می‌ترسند که مورد عشق و محبت قرار نگیرند. خانواده‌های این دختران در زمره‌ی خانواده‌های مرفه و برخوردارند. مکان اصلی حوادث داستان شهر ریاض است. موضوع رمان طرح مسائل عاطفی و اجتماعی زنان عربستان است که از خلال حوادث رمان، مسائل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی زنان جامعه‌ی عربستان روایت می‌شود.

شخصیت‌های محوری رمان چهار دختر به نام‌های قمره، سدیم، لمیس و میشل نام است. قمره دختری سبزه است و مثل دوستانش زیبا نیست، دو خواهر به نام‌های نقله و حصه دارد. او دیپلم ادبیات داشت، با پیدا کردن چند آشنا توانست در رشته‌ی تاریخ شروع به تحصیل کند؛ اما بعد از گذشت چند هفته از شروع ترم نامزد کرد و تصمیم گرفت ترک تحصیل کند تا به کارهای عروسی و ازدواج برسد، به ویژه که قرار بود برای دکترای همسرش به آمریکا برود. همسر قمره در مقطع دکترای تجارت الکترونیک درس می‌خواند. اگر چه قمره به همسرش ابراز عشق، محبت و علاقه می‌کند، اما عشق و علاقه‌اش از سوی همسر با بی‌مهری پاسخ داده می‌شود. بعد از مدتی کوتاه، راشد قمره را طلاق می‌دهد. پس از طلاق قمره و گذشت مدت زمانی مادر قمره دخترش را متقاعد می‌کند تا با ابومساعد که سرهنگ ارتش و دوست قدیمی دایی‌اش بود دیداری داشته باشد و .... سدیم دختری باجرات و ماجراجو بود، تنها فرزند خانواده که مادرش را در سه سالگی از دست داده بود. دختری زیبا کمی چاق و با قدی کوتاه. پسری به نام ولید از او خواستگاری کرد که بعد از عقد ولید او را ترک کرد و بعد از مدتی با فراس آشنا شد که این آشنایی هم به ازدواج ختم نشد. لمیس دختری نترس، بازیگوش و خوش‌هیکل بود. در رشته‌ی پزشکی تحصیل می‌کرد. یک خواهر داشت که او هم دانشجوی پزشکی بود. پدر و مادرش نیز پزشک بودند. نزار به او علاقه‌مند می‌شود و این علاقه به ازدواج ختم می‌شود. میشل دختری با جرأت و ماجراجو، زیبا و خوش‌هیکل بود. عقاید تندی داشت. مادرش آمریکایی بود. به دلیل مشکل مادرش برای اینکه صاحب فرزند پسر نمی‌شد پسری را به فرزند خواندگی می‌گیرند. در جوانی با فیصل آشنا می‌شود؛ ولی بعد از مدتی فیصل او را ترک می‌کند؛ زیرا مادرش می‌خواست او با دختری از طبقه‌ی خودشان و با پدر مادری عرب ازدواج کند. سپس برای تحصیل به آمریکا می‌رود. دایی‌اش در آمریکا زندگی می‌کند او با ماتی پسر دایی‌اش روابطی را شروع می کند و...

با بررسی حوادث زندگی دختران ریاض درمی‌یابیم که هر یک در برقراری روابط اجتماعی، مسأله‌ی ازدواج، زندگی سنتی و پیامدهای آن در زندگی و ازدواجشان با مسائل متعددی روبرو بوده‌اند که تحلیل رمان با تکیه بر الگوی فرهنگی شوالتر در درک بهتر این مسائل ما را یاری می‌کند.

۲. چارچوب نظری پژوهش

«فمینیسم واژه‌ای است فرانسوی که برای بیان یک عقیده‌ی خاص و دفاع از حقوق برابر زنان بر اساس برابری جنسی به کار رفته است» (زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲: ۱۴). نقد فمینیستی نوعی نقد مؤلف‌گرا است که به‌دنبال بررسی سه مسأله می‌باشد: ۱. بازیافتن سیمای زن

۲. در کانون قرار دادن قهرمانان زن و بررسی این موضوع که اگر نویسنده‌ی مطلبی زن باشد متن چه کیفیتی پیدا می‌کند. ۳. اگر خواننده‌ی متن هم زن باشد در معنای متن تفاوتی ایجاد می‌شود یا خیر (شمیسا، ۴۳۷:۱۳۹۴). از نظریه‌پردازان نقد فمینیستی می‌توان از سیمون دوبوار و الین شوالتر نام برد.

الن شوالتر (۱۹۴۱ امریکا) از نظریه‌پردازان مرتبط با جریان نقد فمینیستی انگلیسی‌ـ آمریکایی نظریه‌ای با عنوان «نقد زنانه» را مطرح کرد. وی معتقد است «نظریه‌پردازان فمینیسم در فرایند نقد آثار نویسندگان زن، به جای پذیرش مدل‌ها و تئوری‌های نقد ادبیات مردانه باید به بررسی آثار زنان نویسنده بر اساس تجربیات خود آن‌ها به عنوان تولیدکنندگان این نوع از ادبیات بپردازند، شوالتر از این پروسه به «جینوکریتسیزم» تعبیر کرد» (حکمت و دولت‌آبادی، ۱۳۹۰: ۵۸). اصطلاحات «نقد زنانه/ نقد وضعی زنان/ نقد جنسیتی/ نقد زن محوری» در این نوع نقد می‌گنجد. «هدف اصلی نقد جنسیتی یا نقد زنانه، در نظر گرفتن چارچوب مشخصی برای تحلیل و توضیح آثار زنانه است» (showalter,۱۹۹۷: ۲۱۶-۲۱۷). شوالتر در نقد زنانگی دو شیوه بر می‌شمرد: یکی شیوه‌ای که به مطالعه‌ی متن‌های ادبی می‌پردازد و وظیفه‌ی آن بررسی چگونگی تصویر زنان در ادبیات است، مثلاً شخصیت‌های کلیشه‌ای، انگاره‌ها و غیره. این شیوه در واقع نقش تفسیر را برعهده دارد و هر چند می‌تواند سودمند باشد، اما فاقد نوآوری و خلاقیت است؛ زیرا از نظریه‌های قدیمی که از پیش در دسترس است بهره می‌گیرد. شیوه‌ی دوم که زن را به عنوان نویسنده در نظر می‌گیرد و همان (Gynocritic) است. بر اساس نظر شوالتر این شیوه دارای نوآوری و خلاقیت است و فرصت‌های بسیاری در پیش پای زنان قرار می‌دهد تا به بررسی تفاوت‌های موجود میان نگارش خودشان و مردان بپردازند (مقدادی، ۱۳۹۳: ۴۸۸) و به بررسی این موضوع می‌پردازد که زنان چگونه و در کدام نقش‌ها به خواننده معرفی می‌شوند. وی به منظور مطالعه‌ی آثار ادبی در پرتو این نقد چهار رویکرد معرفی می‌کند که عبارتند از: رویکرد «زیست‌شناسانه، زبان‌شناسانه، روانکاوانه و فرهنگی» (showalter,۱۹۸۱: ۱۸۶ -۱۸۷). پرداختن به هر یک از این رویکردها کوششی برای تحلیل و تبیین کیفیت یک اثر زنانه است. رویکرد زیست‌شناسانه بر این نکته تأکید دارد که چگونه تصاویر مربوط به بدن زن، در متن، لحنی شخصی به اثر می‌بخشد. به بیان دیگر شوالتر می‌کوشد تا رابطه‌ی بدن جنسی شده با حوادث یک دوره‌ی تاریخی خاص و آداب و رسوم اجتماعی‌اش را پیگیری کند (رابینز، ۱۳۸۹: ۱۲۷). رویکرد زبان‌شناسانه هم به مطالعه‌ی تفاوت‌های زبان زنانه و مردانه و نحوه‌ی استفاده‌ی زنان و مردان از زبان می‌پردازد. هم‌چنین به این پرسش می‌پردازد که آیا زنان قادر به ایجاد زبانی ویژه‌ی جنسیت خود و بهره‌گیری از چنین زبانی در نوشته‌هایشان هستند یا خیر (برسلر،۱۳۹۳: ۲۰۴). در رویکرد روانکاوانه ناهنجاری‌های روان فرد شناخت و بررسی می‌شود. این شناخت ما را با نوعی درمان آشنا می‌کند که شخص با ابراز درونیاتش، خود را از فشارهای روحی حاصل از محیط اطرافش جدا می‌سازد. از سوی دیگر فرضیه‌هایی را مطرح می‌کند که به واسطه‌ی آن می‌توان علل و فرایند شکل گیری عقده‌های روانی وی را گره‌گشایی کرد (طلائی، ۱۳۹۷: ۴۴۱ به نقل از بلمن نوئل، ۱۹۹۶: ۸). رویکرد فرهنگی به بررسی مسائل اجتماعی و نوع نگاه به زن از سوی جامعه‌ی موصوف در اثر ادبی پرداخته، به چگونگی نقش اجتماع در شکل دادن به کار و فعالیت زنان توجه می‌کند. از این حیث می‌توان گفت سطح فرهنگی گونه‌ای از نقد جامعه‌شناختی است؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای که نویسنده در آن زندگی می‌کند و نیز موقعیت فردی او در تعامل با مردم، ساختار و محتوای اثر وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این‌رو شوالتر معتقد است که زن محوری باید از شیوه‌های متفاوتی چون زیست‌شناسی، زبان‌شناسی، راون‌شناسی و شیوه‌های فرهنگی‌ـ اجتماعی کمک بگیرد و خودِ او، استفاده از نظریات فرهنگی را بهترین و کامل‌ترین شیوه برای بحث در مورد آثار زنان می‌داند،

چرا که بافت اجتماعی، بر تمام این موارد تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این‌ها، نظریه‌ی فرهنگی بر تفاوت‌های مربوط به طبقه، نژاد، ملیت و تاریخ میان نویسندگان تکیه دارد. او ماهیتی جمعی برای ادبیات زنان قائل است و آنان را وابسته به یک فرهنگی می‌داند که ماهیت متحد و یکسان به آن‌ها می‌بخشد (مقدادی، ۱۳۹۳: ۴۹۰). لذا مطالعه‌ی رویکرد فرهنگی و مؤلفه‌های آن نه تنها سه رویکرد سابق را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ بلکه می‌تواند نقش مهمی در تحلیل جامعه‌شناختی و فرهنگی رمان ایفا کند. رویکرد فرهنگی به بررسی این موضوع می‌پردازد که «جامعه‌ای که نویسندگانِ زن در آن کار و فعالیت می‌کنند به چه طریقی اهداف، واکنش‌ها و دیدگاه‌های زنان را شکل می‌دهد» (برسلر،۱۳۹۳: ۲۰۴) و این مهم با بررسی مؤلفه‌هایی مانند دغدغه‌ی زیست و استقلال اقتصادی، بغض فراموش‌شدگی تاریخی زن، خودیابی و بیان واقعیت پیرامون زنان، ازدواج سنتی و اجباری، محدودیت آموزش زنان، توهین به زنان و تحقیر آن‌ها، اشتغال زنان و ...را حاصل می‌شود که تحلیل آن‌ها سبب بازتاب شرایط اجتماعی- فرهنگی حاکم بر زنان یک جامعه شده و پژوهشگر را در شناختِ بهتر آن جامعه و شرایط حاکم بر زندگی زنان یاری می‌کرده و نقش جامعه را در شکل‌گیری اندیشه‌های نویسنده و جهت‌گیری‌های آن یاری می‌کند. به دلیل اهمیت رویکرد فرهنگی پژوهش حاضر به مطالعه‌ی رمان «بنات الریاض» با تکیه بر این رویکرد می‌پردازد.

۳. بازتاب مؤلفه‌های رویکرد فرهنگی در رمان «بنات الریاض»

فرهنگ حاکم بر یک جامعه و نوع برخورد با زنان تأثیر مستقیمی بر سایر رویکردها از جمله رویکرد زیست‌شناسانه، زبان‌شناسانه و روانکاوانه دارد شوالتر معتقد است که ویژگی‌های اخلاقی و روانی حاصلِ فشارهای فرهنگی می‌باشد که جامعه بر زنان تحمیل می‌کند. او رویکرد فرهنگی را مؤثر بر رویکرد روانکاوانه می‌داند که به مسائل اجتماعی و نوع نگاه به زن از سوی جامعه موصوف در اثر ادبی می‌پردازد. در این بخش به چگونگی نقش اجتماع در شکل دادن به کار و فعالیت زنان توجه می‌شود . از این حیث می‌توان سطح فرهنگی را گونه‌ای از نقد جامعه‌شناختی دانست؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه‌ای که نویسنده در آن زندگی می‌کند و نیز موقعیت فردی او در تعامل با مردم، ساختار و محتوای اثر وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. جامعه‌شناسی ادبیات نیز شرایط اجتماعی و اوضاع فرهنگی را که نویسنده در آن به نگارش اثر خود پرداخته است، مطالعه می‌کند؛ زیرا متن ادبی را بازتاب نمادینی از جهان اجتماعی می‌داند. (Gengembre, ۱۹۹٦: ١٤). و این مهم با بررسی مؤلفه‌هایی مانند دغدغه‌ی زیست و استقلال اقتصادی، بغض فراموش‌شدگی تاریخی زن، خودیابی و بیان واقعیت پیرامون زنان، ازدواج سنتی و اجباری، محدودیت آموزش زنان، توهین به زنان و تحقیر آن‌ها، اشتغال زنان و ... را حاصل می‌شود که تحلیل آن‌ها سبب بازتاب شرایط اجتماعی- فرهنگی حاکم بر زنان یک جامعه شده و پژوهشگر را در شناختِ بهتر آن جامعه و شرایط حاکم بر زندگی زنان یاری می‌کرده و نقش جامعه را در شکل‌گیری اندیشه‌های نویسنده و جهت‌گیری‌های آن یاری می‌کند.

۳-۱. ازدواج اجباری و سنتی

ازدواج اجباری به معنای مجبور کردن یا تحت فشار قرار دادن فردی برای ازدواج است. به عبارتی زن یا مرد جوانی در اثر فشار روحی یا تهدید و مورد سوء استفاده قرار گرفتن فیزیکی مجبور به ازدواج شود. ازدواج اجباری مصداق پایمال نمودن حقوق انسان‌هاست و نمونه‌ای از خشونت جنسیتی محسوب می‌شود. دختران جامعه قربانیان اصلی آن هستند. بسیاری از افرادی که اجباری ازدواج می‌کنند، پس از ازدواج، با آسیب‌های روانی و جسمانی روبرو می‌شوند . ازدواج اجباری معمولاً سرانجام مطلوبی ندارد و افراد را به راه‌های ناخوشایندی می‌کشاند و در اکثر موارد نیز این ازدواج‌ها به طلاق و جدایی می‌انجامد. یکی از مؤلفه‌هایی که در رمان‌های زن‌محور به آن پرداخته می‌شود ازدواج اجباری و سنتی است. به همین دلیل پس از رشد و توسعه جنبش فمینیسم در جهان، زنان کوشیدند با افزایش دانش و آگاهی خود اختیار زندگی‌شان را به دست گیرند و شخصاً برای مسائل مهمی چون ازدواج تصمیم بگیرند. رمان بنات الریاض هم از این امر مستثنی نیست و نویسنده در رمان از خلال روایت زندگی قمره به این موضوع پرداخته است:

«لم تره قبل العروس إلا یوم الروية الشرعية، و بما أن تقاليد عائلتها لاتسمح للمتقدم للخطبة بروية العروس بعد ذلک إلا بعد أن يتم عقد القران، و لأنه لم يكن بين العقد و العرس سوى اسبوعين، فقد تم الاتفاق بين والدة قمرة و أم راشد على أن لايرى راشد عروسه فى تلک الفترة حتى تتمكن من الاستعداد لحفل العرس. كل ذلک كان منطقيا فى نظر قمرة ، إلا أنها استغربت عدم طلب راشد من والدها أن يسمح له بمهاتفتها للتعرف عليها قبل أن يتم الزفاف، كما فعل وليد مع سديم فيما بعد» (الصانع، ۲۰۰۵: ۲۹).

این مثال نشان می‌دهد ازدواج قمره با راشد یک ازدواج سنتی بوده است. در ادامه با سردی راشد نسبت به قمره ادامه می‌یابد. این سردی به خاطر ارتباطی است که راشد با زنی به نام کاری داشته است؛ در نتیجه راشد، قمره را طلاق می‌دهد طبق رسم و رسوم خانوادگی، قمره نمی‌توانست قبل از عقد با نامزدش تلفنی صحبت کند که این پایبند بودن به این رسم و رسومات باعث شد که قمره ازدواج سنتی داشته باشد. ازدواج‌های سنتی نتیجه‌ی خوبی را به همراه ندارد. ازدواج قمره ازدواج اجباری نبود ولی کاملاً به شکل سنتی شکل گرفت که فرجام خوبی هم نداشت و با طلاق به پایان رسید. زنان در حوزه‌ی فمینیسم تلاش می‌کنند با افزایش آگاهی و دانش تصمیمات مهم زندگی خود که از جمله آن تصمیم مهم برای ازدواج و انتخاب همسر می‌باشد را خود برعهده بگیرند. دخترانی که با روش سنتی ازدواج می‌کنند آسیب‌های روحی، روانی و جسمی زیادی را متحمل می‌شوند، همان‌طور که شخصیت قمره این آسیب‌ها را متحمل شد. قمره پس از جدایی دچار افسردگی شدیدی شد؛ این جدایی با تولد فرزندش هم گره خورده بود شدت زیادی یافت. دلیل افسردگی قمره: راشد، نگاه جامعه به او، مادرش، حصه و دوستانش بودند. همه او را ناچیز می‌شمردند. مادر قمره برای نگهداری از نوه‌اش پرستاری را استخدام کرد چون می‌دید فرزندش توان مراقبت از خود را ندارد چه برسد به نوزادش. دیدگاه سنتی خانواده‌ی قمره منجر شد او مجدد ازدواج کند:

«كانت قمرة تقلب ناظريها بين أبيها و خالها و أبو مساعد. لم‌يفكر أحدهم أن يشاور صاحبة الشأن الجالسة إلى جانبهم كلوح من الخشب! قامت و انصرفت من الغرفة بعد أن جحدت خالها بنظرة حارقة بنتک (ما تستحى يا أم محمد. الله يهداتس مدلعتها واجد. أنا أقول نتوكل على الله ونزوجها إياه. الرجال ما يعيبه شى (همان، ۱۰۸).

قمره با توجه به تجربه‌ی ازدواج قبلش این بار دور ننشست و با دقت ظاهر ابومساعد را بررسی کرد کاری که سه سال پیش در جلسه‌ی خواستگاری راشد نکرده بود. دیگر خجالت نمی‌کشید و... قمره می‌گوید من بچه دارم و باید نظر من را هم بپرسید و به حرفم اهمیت دهید این‌بار، تصمیم گرفت برای ادامه‌ی زندگی خودش تصمیم بگیرد. این خواستگاری با خوابی که قمره می‌بیند به ازدواج ختم نمی‌شود. ازدواج سنتی و ناکام در این رمان بیانگر نگاه شیءواره به زنان در جامعه‌ی وقت سعودی است. در شیءوارگی نیروی مسلط سعی می‌کند «آگاهی‌های ممکن موجود در جامعه را به سوی خود بکاهد یا راکد کند. در شیءوارگی ارزش‌های کیفی و فوق فردی نیز از زندگی سیاسی که به سلطه‌ی خودپرستی انسان اقتصادی درآمده، حذف می‌شوند (گلدمن، ۱۳۸۱: ۴۵) و به ارزش‌های مادی، کالا و سرمایه تبدیل می‌گردند. دیدگاه مردان به زنان در این رمان بیانگر این است که زنان به مثابه‌ی اشیائی هستند که در ازدواج، زندگی مشترک و در طلاق نظرشان پرسیده نمی‌شود؛ بلکه به مثابه‌ی شیئی در نظر گرفته می‌شوند که در صورت عدم نیاز رها می‌شوند.

۳-۲. سنت‌شکنی و خود اتکایی زنان

سنت‌شکنی بیش از هر چیز، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. بحث مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی و کار بیرون از منزل، یکی از مسائل مهم و مطرح در رمان‌های فمینیستی است و صاحب‌نظران فمینیست نیاز مالی و اقتصادی زن را محملی برای تسلط و حکمرانی مردان در طول تاریخ می‌دانند (بهین و باقری،۲۷:۱۳۹۱). دیدگاه‌های موجود در مورد حق حضور زن در مسائل اجتماعی، بنا به آبشخور فکری آن، متفاوت و در جوامع مختلف فاصله‌ای به اندازه افراط تا تفریط را طی کرده است. در تفکر فمینیستی، زن بدون هیچ قید و شرطی حق حضور در عرصه‌های مختلف اجتماعی را دارد و در مقابل در بعضی جوامع این حق محدود و حتی در شرایطی کاملاً سلب می‌گردد.

در رمان بنات الریاض هم زنان عربستان سعی می‌کنند با انجام فعالیت‌های اقتصادی به استقلال مالی برسند که در مواردی به سنت‌شکنی منجر می‌شود. مصادیقی که می‌توان در رمان بدان اشاره کرد عبارتند از:

وقتی قمره به دوستانش می‌گوید:

«اسمعوها نصیحة منی یا بنات. لاتحلمون! اترکوا عنکم هلأفکار وخلوها علی الله! لاتتمنون شی فی الرجال لأنه بیجیکم عکس اللی تمنیتوه تماما! صدقونی (الصانع، ۲۰۰۵ : ۷۳).

تجربه‌ی ازدواج ناموفق قمره سبب تغییر دیدگاه او نسبت به ازدواج می‌شود. وی فکر می‌کرد پس از ازدواج همسرش او را خوشبخت می‌کند اما تجربه‌ی ناموفق ازدواج دیدگاه و انتظاراتش را از ازدواج تغییر داد. این امر باعث شد بار دوم با نظر خودش علی‌رغم موافقت دایی و مادرش با ازدواجش، به خاستگارش پاسخ منفی داده و خود برای زندگی‌اش تصمیم بگیرد. این تصمیم مصداق خوداتکایی و سنت‌شکنی و آگاهی زنان سعودی بشمار می‌رود. مصداق دیگر در شخصیت میشل متجلی شده و نویسنده به خوبی آن را توصیف کرده است: «تطور بها الأمر حتی عینت رسمیا معدة للبرامج فی تلک القناة وصار لها برنامجها الخاص. فتح لها العمل فی المجال الإعلامی الذی یعد اختصاصها آفاقا جدیدة. شعرت لأول مرة بتحررها الفعلی من جمیع القیود التی کانت مفروضة علیها من قبل. تعرفت علی أنواع مختلفة من البشر و شعرت بأنها أکثر ثقة بنفسها وبأنها تستطیع تحقیق کل ما ترید بصداقتها الواسعة وعلاقاتها الکثیرة، کان الجمیع یحبونها وکانت تقابل

محبتهم بالمزيد من التميز و النجاح (همان، ١١٧). از میان دختران رمان، میشل استقلال بیشتری دارد و تلاش می‌کند تا روی پای خود بایستد. در گفت‌وگوهایی که انجام می‌دهد دوستانش را به مبارزه با سنت‌های غلط دعوت می‌کند و به دوستانش توصیه می‌کند زیاد به نظرات پسران و مادرانشان توجه نکنند، چیزهایی که دوست دارند را تجربه کنند، برای خواسته‌ها و اهداف خود تلاش کنند تا رویاهایشان را محقق کنند. پس از این که فیصل به دلیل توجه مادرش به خانواده و اصل و نسب، میشل را ترک می‌کند، میشل ناراحت می‌شود ولی این اتفاق را می‌پذیرد و به دلیل داشتن شخصیت مستقل از نو شروع می‌کند و دوستانش را به تغییر و نپذیرفتن آداب و رسوم غلط جامعه، رها شدن از قید و بندها، واقع‌بینی، مسئولیت‌پذیری برای تصمیماتی که می‌گیرند دعوت می‌کند.

۳-۳. روزمرگی ملال‌آور زنان

امروزه یکی از مشکلات زندگی زنان، تکراری شدن زندگی و به دنبال آن یکنواختی زندگی برای زنان می‌باشد که حتی ممکن است خبر از پایان زندگی بدهد. این موضوع در رمان مصداق‌های متعددی دارد از میان آن‌ها می‌توان به زندگی ملال‌آور قمره بعد از جدایی اشاره کرد. در آن زمان مادر قمره اجازه بیرون رفتن به او را نمی‌داد یا در ابتدا نمی‌پذیرفت که قمره بیرون از منزل کار کند. ولی بعد از اصرار قمره با کار کردنش موافقت می‌کند. هرکس برای فرار از روزمرگی دست به کاری می‌زند. هم‌چنین امنویر از شخصیت‌های دیگر داستان است. او که معلم بازنشسته است برای پرکردن اوقات فراغت تصمیم می‌گیرد با سدیم همکاری کرده و مسئول اجرای کار او شود و با کمک هم شرکت خدمات برگزاری جشن و مراسم را راه‌اندازی کردند.

وقتی یکی از انگیزه‌های دختران برای تحصیل در دانشگاه فرار از تکرار و روزمرگی است. در بخشی از رمان می‌خوانیم محیط‌های بسته، محدویت‌های زنان در جامعه و تسلط سنت‌ها در زندگی زنان سبب کسالت و خستگی آنان شده و می‌خواهند از این روزمرگی به نحوی خلاص شوند: «كان حلم الاختلاط بالشباب حلماً كبيراً بالنسبة لكثير من الطالبات و الطلاب، ودافعاً للبعض ممن ليست لهم أي ميول طبية للالتحاق بتلك الكليات التي قد توفر لهم مساحة اكبر من الحرية (همان، ۲۷). در واقع این اقدام دختران نشان‌دهنده‌ی شرایط ملال‌آور حاکم بر زندگی زنان است. این شخصیت‌ها نماینده‌ی نسلی هستند که نویسنده هم خود جزئی از آنهاست. این مثال به روشنی بیانگر پیوند تنگاتنگ میان زندگی زنان جامعه‌ی سعودی با مؤلفه‌ی زندگی ملال‌آور زنان است.

۴-۳. تحقیر زنان و توهین به آن‌ها

خشونت علیه زنان ابعاد مختلفی دارد که شامل خشونت فیزیکی، شیوه‌های آزار و اذیت جسمانی، ضرب و جرح و .... را شامل می‌شود؛ اما خشونت روانی شامل رفتار قلدرانه برای تحقیر زن، تهدید به آزار و یا کشتن وی، دشنام، استهزاء، توهین، ممنوعیت ملاقات با دوستان، زندانی کردن در منزل را در بر می‌گیرد. در رمان بنات الریاض جلوه‌های مختلف خشونت در دو بُعد فیزیکی و روانی وجود دارد. از مصادیق خشونت جسمی می‌توان به ضرب و شتم قمره توسط راشد اشاره کرد: «إيه هين !!أنا حرمة وهي الليدي اللي ما ترضى

علیها کلمة!! وش معنی الشغالات اللی ترضی لهم یمشون کلامهم علیک ؟ !! أتتها الصفعة مدویة علی خدها الأیمن – .....بعد الصفعة المولمة، کان کل ما قاله راشد بعدها من إهانات مجرد امتدادللصفعة التی لاترید أنتنتهی ! .....أنا اللی أتزوج بنت الناس و أثرثر من وراها مع اللی تسوی واللی ما تسوی ؟ !!! تأتیها الصفعة الثانیة فتسقط علی الارض وهی تولول بحرقة. غادر راشد الشقة إلی أحضان) اللی ما تسوی (تارکاً قمرة تسب وتلعن وتلطم خدیها وتبصق علیه باستحقار وهی فی حالة من الهستیریا أقرب للجنون! (**همان**، ۵۰).

اما جلوه‌های خشونت روانی به وفور در رمان مشاهده می‌شود، و خشونت روانی بسیار زیادی در رمان علیه زنان صورت گرفته است. برای نمونه مادر قمره به او اجازه نمی‌داد برای کاری که دوستش سدیم روبه راه کرده بود به خارج از منزل برود. یا کنترل تلفن سدیم توسط ولید که به مدت شش ماه خطی که سدیم داشت تماس‌های ورودی و خروجی آن را کنترل می‌کرد:

«لا مانیسیت. کنت خبلة وعلی نیاتی، وإلا واحد یجی یقول لی فی الملکة إنه راقب کل تلیفونات البیت الثابتة والنقالة قبل ما یخطبنی، وفحص سجلات المکالمات الصادرة والواردة لمدة ٦ أشهر قبل الخوبة، و أنا بکل غباء أقول له الحمدلله إنی نجحت بالامتحان! لا وفخورة بنفسی بعد! مالت علی (همان، ۹۵).

جامعه‌ای که زن را از کوچک‌ترین خصوصیات خود یعنی اسم نیز محروم می‌کند؛ زیرا زن در ابتدا به عنوان مثال دختر مفتش است و سپس همسر تاجر می‌شود، بدون این که نام یا شخصیتی مستقل داشته باشد. او ابتدا به پدر منسوب می‌شود و سپس به همسر (حمود، ۱۹۹۳: ۲۰). مصداق بارزی از تحقیر زن به شمار می‌رود. این امر در شخصیت امنویر متجلی است. با اینکه معلم است و دارای جایگاه اجتماعی می‌باشد اما پس از جدایی از همسرش به‌نام پسرش «نویر» خوانده می‌شود. تحقیر زنان بیانگر نگاه شیءواره به زن در زندگی زنان جهان عرب و به ویژه زنان سعودی است که احساس شیءوارگی در طبقه‌ی زنان به خوبی قابل مشاهده است.

۳-۵. بغض تاریخی فراموش‌شدگی زنان

بدیهی است اگر زن از ایفای نقش اجتماعی محروم شود، از رشد اجتماعی او کاسته می‌شود و جامعه‌ای که زنان آن از رشد فکری و اجتماعی محروم باشند مسلماً جامعه رشد یافته‌ای نخواهد بود؛ زیرا جامعه از آحاد انسان‌هایی تشکیل می‌شود که با تربیت‌ها و فرهنگ‌های متفاوتی از خانواده‌ها شکل می‌گیرند و وارد اجتماع می‌گردند. اینان در تعامل با هم آداب و سنت‌ها و نظام‌ها و قانون‌های خاصی را به وجود می‌آورند که در اثر پیوند با یکدیگر، ماهیت اجتماعی پیدا می‌کنند. در طول تاریخ در بیش‌تر مناطق جهان، فعالیت‌های سیاسی– اجتماعی ویژه مردان جامعه بوده است. زنان، جز مواردی معدود از ساختار فعالیت‌های اجتماعی و قدرت سیاسی برکنار بودند و سهم آنان در اجتماع به ویژه در سیاست -دست کم به معنای رسمی آن- بسیار محدود بوده است. به طور کلی، وضع زنان در عرصه سیاست تا اوایل سده چهاردهم/ آغاز سده بیستم، فقدان حقوق سیاسی و مشارکت فعال در امور سیاسی- اجتماعی بوده‌اند (ملک‌زاده،۹:۱۳۹۴). انزوای اجتماعی زنان و دور نگه داشتن زنان از حضور در اجتماع تقویت و بسط این تفکر که زنان موجوداتی عاجز و ضعیف تلقی می‌شوند باعث شده بود که زنان هرگز نتوانند شخصیت اجتماعی و انسانی خود را چنان که باید نشان دهند. این طرز تفکر موجب شده است که زندگی زن صرفاً به رسیدگی به شوهر و فرزندانش خلاصه شود تا آنجا که زن کم‌کم به انزوا کشیده شده و

خود را فراموش کند. تقویت و بسط این تفکر که زنان موجوداتی عاجز و ضعیف تلقی می‌شوند باعث شده بود که زنان هرگز نتوانند شخصیّت اجتماعی و انسانی خود را چنان‌که باید نشان دهند (الصانع، ۲۰۰۵: ۴۱). تأکید بر یک «فراموشی عمدی» در آثار ادبی و نقدهای فمینیست‌ها، بسیار به چشم می‌خورد. این موضوع گاه با تعبیر پس‌راندن و در خانه نشاندنِ زن توسط فرهنگ مذکر بیان می‌شود. پس از آنکه راه‌های نوشتن و بیان خویش برای زنان باز شد مجال مقبولی برای رهایی از قید و بندهای احیای هویت جنس دوم آمده است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۱۸). این موضوع در رمان بنات الریاض هم متجلی شده است:

«لیست المشکلة قاصرة علیها فکل زمیلاتها مهمشات فی الحیاة السیاسیة، ولا دور لهن ولا أهمیة. لوکانت تفهم فی السیاسة لو أنها تدافع عن قضیة معینة أو تعارض قضیة ما، لکانت وجدت ما یشغلها عن التفکیر بولید ال! (الصانع، همان).

مصداق فراموش‌شدگی در شخصیت میشل متجلی شده است:

«اعتادت میشیل فی بلادها أنتنسحب من النقاشات بعد أنیتحول الحوار إلی مشادات کلامیة ساخنة وتسفیه للآراء، وکان تتحاشی التعبیر عن آرائها صراحة إلی أمام من تمون (علیهم کصدیقاتها المقربات. کانت تلاحظ أن الرأی العام فی بلادها لایعبر بالضرورة عن الرأی العام الفعلی، لأن الناس کانوا یترددون کثیرا قبل أنیدلوا برأیهم فی قضیة ما حتی یتحدث أحد الشخصیات القویة أو أصحاب الکلمة المسموعة بین الناس فیقوم الباقون بتأکییده. کان الرأی العام علاقة متعدیة تترتب علی رأی واحد ، رأی الأقوی (همان).

این محدود شدن و حق نداشتن در امورات و جریانات اصلی زندگی (ازدواج ، طلاق) محدود شدن در حصار خانه باعث می‌شود زنان برای کسب حقوق اولیه و شخصی بجنگد تا برسد به حضور در اجتماع و جضور در سیاست و این باعث می‌شود زنان هرگز نتوانند شخصیّت اجتماعی و انسانی خود را چنان‌که باید نشان دهند. نویسنده از خلال گفتمان میشل ایدئولوژی خود را نسبت به جامعه‌ی خود بیان کرده است. بر اساس نظریه‌ی جامعه‌شناسی رمان، میشل را می‌توان قهرمان مسأله‌دار دانست. شخصیتی که «در تعارض با جهان زندگی می‌کند و بزرگی او در همین است. آرمان‌های او اگرچه کاذب‌اند، دست کم می‌تواند نارسایی واقعیت موجود را آشکار کند» (گلدمن، ۱۳۶۹: ۱۵۶). شخصیت‌های زن رمان از خلال مؤلفه‌های مختلف فرهنگی واقعیت‌های جامعه‌ی سعودی را به خوبی بازتاب می‌دهند که این امر نشان می‌دهد نویسنده توانسته ارتباط محکمی میان متن و جامعه برقرار کند.

۳-۶. دغدغه‌ی معیشت و استقلال اقتصادی

مسأله‌ی دغدغه‌ی زیست و استقلال اقتصادی یکی از اصول مهم جنبش‌های فمینیستی و از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های زنان در دوره‌ی معاصر است. «احساس تعلق به دیگری و دلبستگی به سویه‌ی زمینی زندگی در زن بیش از مرد نمود دارد. فکر زن بر مدار خانه و امورِ معیشت و ارتقای سطح زندگی و رفاه می‌چرخد. اصالت دنیای مادی در نگاه زن غالب است و اندیشه‌ی زیست بر سایر اندیشه‌های وجودی او می‌چربد. به همین دلیل ایدئولوژی، سیاست، دانش و تکنولوژی برایش در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد. خانواده اصل و بنیان زندگی است. آرزوی زن‌های داستان، زندگی آرام و صمیمانه است کنار مردی که دوست دارند» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۴۲۰). نگرانی در

زمینه معیشت و تلاش برای داشتن استقلال مالی از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های زنان در عصر حاضر است. داشتن شغل و امنیت مالی برای زنان امری ضروری است. زنان در رمان بنات الریاض یا شغل یا حرفه‌ای دارند یا برای به‌دست آوردن شغل تلاش می‌کنند:

«قررت سديم بدأ مشروع صغير بجزء من إرثها بعد أنعجزت عن العثور على وظيفة مناسبة بعد التخرج. كانت تفكر في تنسيق الحفلات و الأعراس بما أنا لايكاد يمر أسبوع دون أنتدعى لحضور عرس أو حفل عشاء أو استقبال (همان، ۱۲۹).

قمره پس از جدایی از همسر، ابتدا خانواده‌اش مخالف کار او در بیرون از منزل بودند. بعد از گذشت زمان و جدیت قمره، پدر و مادرش با کار کردن او موافقت می‌کنند. لمیس هم در رشته‌ی پزشکی مشغول به کار شد و میشل در تلویزیون قسمت تبلیغات شخصیت‌های رمان همه به کار اشتغال داشتند یا برای به دست آوردن شغل تلاش می‌کردند. نویسنده در این بخش از رمان، زنانی را به تصویر کشیده که می‌خواهند جامعه‌ی خود را تغییر دهند و قید و بندها را در هم بکشنند و موجبات رهایی و پیشرفت زنان را فراهم کنند. در واقع نویسنده از خلال شخصیت‌های زن توانسته ضمن بازنمایی جامعه‌ی سعودی، همراهی زنان با تحولات جامعه را به تصویر بکشد که گویای آگاهی، بیدرای و هوشیاری زنان است و نشان‌دهنده‌ی این است نویسنده با بازتاب جهان‌بینی خود به عنوان نماینده‌ی طبقه‌ی اجتماعی به تشریح ساختار اجتماعی، فرهنگی و شرایط حاکم بر زنان جامعه‌ی سعودی آن زمان پرداخته است. بررسی مؤلفه‌ی فرهنگی الین شوالتر به خوبی گواه این مسأله است.

۳-۷. خودیابی و بیان واقعیت پیرامون زنان

این مؤلفه به جایگاه زنان و حقوقشان در جامعه می‌پردازد و مشکلات و مسائل آنان را واکاوی می‌کند. مصداقی که می‌توان به کاربرد این مؤلفه در رمان اشاره کرد عبارت زیر است: «قدأجد قليلا من المومنين بقضيتي الآن وقد لاأجد، لكنني أشك في أن أجد كثيراً من المعارضين بعد نصف قرن من الآن» (همان، ۵۸).

نویسنده در پاسخ به کسانی که او را تهدید می‌کنند که چرا اینگونه در مورد دختران صحبت می‌کنند و داستان زندگی آنها را بیان می‌کند و به بیان واقعیت‌ها و مسائلی می‌پردازد اینگونه پاسخ می‌دهد که این سنت‌ها و باورها و تعصبات غلط است و بعد از گذشت مدت زمانی تعداد معترضین به این سنت‌ها، تعصبات و باورها زیاد می‌شود. با گذر زمان آگاهی زنان به حقوقشان بیشتر و تعداد معترضان بیشتر می‌شود.

مصداق دیگر این مؤلفه مربوط به نوشته‌های نویسنده درباره‌ی زنان جامعه‌ی عربستان و واکنش افکار عمومی به آن است که عده‌ایی او را به خاطر عبور از خط قرمزهای جامعه، به دخالت در کار دیگران متهم کرده و او را با تنبیه کردن تهدید کرده‌اند که می‌توان به کاربرد این در رمان اشاره کرد عبارت زیر است: «قامت الدنيا عليّ و لم تقعد، و اشتعل صندوق ايميلي بالرسائل المفخخة. البعض يحذرني من الاقتراب من الخطوط الحمراء والبعض يعتبر أنني قد تجاوزتها بالفعل وسوف أعاقب على تدخلي في شؤون الآخرين حتى أكون عبرة لكل من تسول له نفسه تحدى المجتمع وتقاليده بهذه الجرأة والصفاقة والثقة بالنفس» (همان، ۶۸).

مصداق دیگر این مؤلفه صحبت‌های لمیس با امنویر است که درباره‌ی انجام هر کاری است که دوست دارند و به خاطر حرف‌های دیگران و از ترس قضاوت جامعه نباید از خواسته‌های خود دست بکشند:

«یاشیخة خلی کل واحدة تسوی اللی علی مزاجها. إلی متی وحنا نسوی اللی علی مزاج الحریم واللی علی مزاج عیالهم؟؟ أنا أقول سوی تان یا لمیس زی ما تبین وإذا ودک تولعین بشعرک بقاز بعد لایردّک إلا یدینک – ! جبتس عون صرتی لی فر عون!» (همان، ۱۰۱).

۳-۸. تنوع‌طلبی و عشرت‌طلبی مردان

سیستم خانواده در زمره‌ی مهم‌ترین سیستم‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین جنس مخالف شکل می‌گیرد. حفظ و تداوم خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است (شعاع‌کاظمی و سیف، ۱۳۸۹) یکی از سخت‌ترین روابط عاشقانه، رابطه‌ای است که در آن مرد، یک هوس‌باز است. تنوع‌طلبی در مردان شامل برقراری رابطه با زنان متعدد، چه به صورت عاطفی یا جنسی می‌شود در حالی‌که یک رابطه دیگر مانند ازدواج را نیز در زندگی خود دارند. زنانی که با چنین مردان ازدواج می‌کنند دچار آزارهای عاطفی شدید و طولانی مدت می‌شوند که به احساس مورد خیانت واقع شدن، طرد و شرمساری می‌انجامد .

رابطه‌ای که راشد با کاری داشت مصداق این مؤلفه است که مورد آزار و اذیت قمره شد. قمره در زندگی زناشویی خود مورد بی‌مهری راشد قرار می‌گیرد و علی‌رغم تلاش‌های قمره راشد همچنان به او بی‌توجه است. پس از مدتی قمره به ارتباط راشد با زنی ژاپنی می‌شود و علت رفتارها و بی‌مهری‌های راشد برای قمره روشن می‌شود:

«إذا کانت قد سمعت من اهل راشد أنه کان مرغماً علی زواجه منها. کم‌کان یقتلها مئات المرات کل یوم ببرودة» (الصانع، ۲۰۰۵: ۳۰-۲۹). بینما کانت قمرة تتصفح بعض الملفات التی تحتوی علی صور لخلفیات الجهاز وقعت عیناها علی ملف یحوی عددا کبیرا من الصور لامرأة من شرق آسیا، عرفت بعدها أنها من الیابان، و اسمها کاری. شکلت تلک الصور الحلقة المفقودة فی سلسلة الفتور غیر المبرر فی علاقة راشد بها! کان راشد علی علاقة بهذه الفتاة قبل زواجه بقمرة و لیس ببعید أنیکون علی علاقة بها حتی الآن! توالت الدلائل بعد ذلک تباعا، فعلاوة سهراته الیومیة مع کاری علی الإنترنت أو الهاتف) ماأدراها؟ (اعتاد راشد أن یقضی یومین من کل شهر خارج المنزل مع أصدقائه فی رحلة بریة. کانت ترحب بتلک الرحلات التی تفعل براشد فعل السحر فیعود لها منشکحا وسعیدا و مبالغا فی إظهار مودته، حتی أنها کانت تشعر بالامتنان نحو أصدقائه تنتظر رحلة الشهر التالی بفارغ الصبر کشف تمکن من إخفاء علاقته بهذه المرأة لمدة تسعة شهور؟ وکیف لم تتمکن قمرة من اکتشاف علاقة زوجها بامرأة أخری؟ (همان، ۴۶-۴۵).

۳-۹. جامعه‌ی مردسالار و تحمیل محدودیت‌ها

جوامعی که در آن دختران برای امور مهم زندگی‌شان حق هیچ اظهار نظری ندارند و همانگونه که در ازدواج نظر آنان نادیده گرفته

می‌شود در طلاق به خواست آنان توجه نمی‌شود. در قسمتی از رمان نویسنده نظر شخصی خود را بیان می‌کند و دیدگاهی که جامعه نسبت به امنویر به عنوان زن مطلقه دارد را نکوهش کرده و آن را نتیجه‌ی جامعه‌ی مردسالار می‌داند؛ زیرا مردانی که از همسرانشان جدا شده‌اند با اینکه خودشان عامل طلاق هستند محدودیت‌هایی که زنان دارند را نداشته و جامعه دیدگاه منفی به آن‌ها ندارد. این امر به خوبی گواه جامعه‌ی مردسالار و تحمیل محدودیت به زنان است:

«تردنی رسائل کثیرة تحوی قدحا فی أتمنویر، وتذم أهالی صدیقاتی الذین سمحوا لبناتهم بالتردد علی منزل امرأة المطلقة وحیدة. هل الطلاق کبیرة من الکبائر ترتکبها المرأة دون الرجل؟ لم لایضطهد الرجل المطلق فی مجتمعنا کاضطهاد المرأة المطلقة؟ أعرف أنکم تستنکرون أسلتی الساذجة ولکنها أسئلة منطقیة جدیرة بإجابات عادلة تحمی أمنویر وقمرة و غیرهن من المطلقات من هذه النظرة الفوقیة التی یتصدق بها المجتمع علیهن، فیما الرجال المطلقین یعیشون حیاتهم دون معاناة أو رقابة» (همان، ۹۸).

تفکر ناشی از جامعه‌ی مردسالار زمانی که راشد یک‌طرفه و بدون اطلاع قمره را طلاق می‌دهد به اوج خود می‌رسد. به‌گونه‌ای که قمره از مطلع شدن موضوع بسیار ناراحت می‌شود. این امر گواه تحمیل محدویت بر زنان و قدرت مردان در جامعه است: «وصلتها الورقة البعبه التی کانت تراها فی الأفلام المصریة. لمتکن الورقة مفزعة لشکلها وإنما لمضمونها. عندما ناولها إیاها أخوها، قرأت قمرة السطور المکتوبة فتهاوت علی أقرب مقعد وهی تصیح: یمه طلقنی (یمه راشد طلقنی خلاص طلقنی» (همان، ۵۸).

در جای دیگر رمان می‌خوانیم که ولید بدون هیچ توضیحی سدیم را طلاق می‌دهد نه جلسه‌ای برای هم‌صحبتی با سدیم و نه صحبتی با خانواده‌ی سدیم. تصمیمی که توسط مرد گرفته شده اجرایی می‌شود و در امر طلاق به نظر زنان توجهی نمی‌شود. این امر نمایانگر جوِّ حاکم بر کشورهای سنتی است. جوامعی که در آن دختران برای امور مهم زندگی‌شان حق هیچ اظهار نظری ندارند: «سألها أبوها فلم تجب، وإنما أتته الإجابة من ولی: ورقة طلاق! حاول الأب أن یفهم من ابنته سر هذه المفاجأة التعیسة فانهارت باکیة بین یدیه و لم تفصح له عن شیء. ذهب غاضبا لوالد ولید الذی نفی علمه بأی شیء وأخبره بأنه متفاجی مثله بما حدث! کل ما قاله ولید لأبیه أنه اکتشف عدم راحته لعروسه ففضل فسخ العقد الآن قبل أنیتم العرس ویدخل بها. کتمت سدیم سرها عن الجمیع، وظلت تعلق جراحها بصمت» (همان، ۱۹).

همان‌طور که خواندیم طلاق‌های یک طرفه سه بار در این رمان اتفاق افتاد: وقتی راشد زن خود قمره را با وجود باردار بودن طلاق می‌دهد یا زمانی که ولید همسرش سدیم که در عقد او است طلاق می‌دهد و امنویر هم زنی مطلقه است که در رمان به دلیل داشتن فرزندی به نام نویر یا (نوری) همسرش او را طلاق داده است. همان‌طور که می‌بینید همه‌ی این طلاق‌ها توسط مردان انجام شده و یک طرفه بوده و نظر زنان بی‌اهمیت است؛ حتی زنان از این طلاق‌ها چه بسا غافلگیر هم می‌شدند. نداشتن حق اظهار نظر در طلاق، نداشتن حق امضا برای ازدواج و یا تهدیدهایی که نویسنده را برای نوشتن این رمان کرده‌اند نشان از تحقیر زنان و توهین به آن‌ها بشمار می‌رود که یکی از ویژگی‌های جامعه‌ی نارس است که عامل آن عدم اجرای قوانین، فرهنگ پایین، جهل و بیسودای، تعصب، افراط یا تفریط در مسائل مذهبی و غیره است که مانع رسیدن زنان به حقوق خود در جامعه‌ی مردسالار می‌شوند.

۴. نتایج پژوهش

مطالعه‌ی رمان «بنات الریاض» در پرتو الگوی فرهنگی الین شوالتر نشان داد که از میان مؤلفه‌های رویکرد فرهنگی، مؤلفه‌هایی مانند خشونت علیه زنان در دو عرصه‌ی جسمی ـ کتک خوردن قمره از همسرش ـ و بُعد روانی ـ آزار و اذیت‌های راشد علیه قمره و ناراحتی‌هایی که سدیم از نامزدش متحمل شد ـ مؤلفه‌ی ازدواج اجباری و سنتی ـ ازدواج سنتی و ناکام قمره که به جدایی انجامید ـ مؤلفه‌ی سنت‌شکنی و خوداتکایی زنان ـ مخالفت قمره در جلسه‌ی خواستگاری ابومساعد، گفت‌وگوهای میشل در رمان و دعوت از دوستانش برای مبارزه با سنت‌های قدیم جامعه و کسب استقلال ـ مؤلفه‌ی روزمرگی ملال آور زنان که زنان ـ رفتن به دانشگاهِ دختران برای فرار از از روزمرگی یا ایجادِ کسب و کار، مانند کسب و کاری که قمره علی‌رغم مخالفت مادرش به همراه امنویر به‌راه انداخت ـ مؤلفه‌ی تحقیر زنان و توهین به آن‌ها، مؤلفه‌ی خودیابی و بیان واقعیت پیرامون زنان ـ اعترافات نویسنده‌ی رمان در بیان حقیقت زندگی زنان عربستان که سبب تهدید او توسط مردان عربستان و عدم انتشار رمان در درون کشور عربستان شد، همچنین صحبت‌های لمیس با امنویر مبنی بر این‌که زنان باید هر کاری دوست دارند انجام دهند و از ترسِ قضاوت جامعه از خواسته‌های خود دست نکشند ـ مؤلفه‌ی تنوع طلبی و عشرت طلبی مردان ـ مصداق آن ارتباط مخفیانه و غیرمشروع راشد با کاری و ترک سدیم توسط ولید ـ و مؤلفه‌ی جامعه‌ی مردسالار و تحمیل محدودیت‌ها علیـه زنان توسط مردان ـ طلاق‌های یک طرفه‌ای: مانند طلاق قمره توسط راشد و سدیم توسط ولید ـ در رمان به‌کار رفته است. با بررسی نمونه‌ها و مصداق‌های فوق دریافتیم که تمام مؤلفه‌های رویکرد فرهنگی در این رمان به‌کار رفته و نویسنده از خلال این مؤلفه‌ها توانسته به‌خوبی از واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگی حاکم بر زندگی زنان ریاض و سعودی پرده بردارد، به همین دلیل این رمان در کشور عربستان اجازه نشر نیافت.

پی‌نوشت‌ها

۱. Gynocriticism

فهرست منابع

کتاب‌ها

۱) برسلر، چارلز. (۱۳۹۳). **درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی.** ترجمهٔ مصطفی عابدینی‌فرد. الطبعهٔ الأولی ۱۳۸۶. طهران: نشر نیلوفر.

۲) رابینز، روت. (۱۳۸۹). **فمینیسم‌های ادبی.** ترجمه احمد ابومحبوب. تهران: افراز.

۳) زیبایی‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۲). **فمینیسم، کتاب فمینیسم و دانش‌های فمینیستی.** قم: پژوهشکده زن و خانواده.

۴) شمیسا، سیروس. (۱۳۹۴). **انواع ادبی.** چاپ پنجم. تهران: انتشارات میترا.

۵) شعاع‌کاظمی، مهرانگیز ؛ سیف، سوسن. (۱۳۸۹). **خانواده درمانی.** تهران: انتشارات پازینه.

۶) الصانع، رجاء عبدالله. (۲۰۰۵). **بنات الریاض.** بیروت: دار الشافی.

۷) فتوحی، محمود. (۱۳۹۰). **سبک‌شناسی نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها.** طهران: سخن.

۸) گلدمن، لوسین. (۱۳۸۱). **جامعه، فرهنگ، ادبیات.** ترجمه: محمدجعفر پوینده. چاپ سوم. تهران: نشر چشمه.

۹) ـــــ ـــــ (۱۳۶۹). **نقد تکوینی.** ترجمه: محمدتقی پوینده. تهران: انتشارات بزرگمهر.

۱۰) مقدادی، بهرام. (۱۳۹۳). **دانشنامه‌ی نقد ادبی از افلاطون تا به امروز.** طهران: نشر چشمه.

۱۱) ملک‌زاده، فهیمه. (۱۳۹۴). **حقوق سیاسی و اجتماعی زنان.** تهران: دادگستر.

۱۲) هام، مگی. (۱۳۸۲). **فرهنگ نظریه‌های فمینیست.** ترجمهٔ: فیروزه مهاجر و زملائها. طهران: توسعه.

مقالات

۱) بهین، بهرام؛ باقری، معصومه. (۱۳۹۱) «گذر فمینیستی از جزیره سرگردانی و به سوی فانوس دریایی». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. رقم ۶۶ . صص ۲۵ – ۴۰.

۲) حکمت، شاهرخ؛ دولت‌آبادی، حمیده. (۱۳۹۰). «اشعارسیلویا پلات و فروغ در نقد فمینیستی الین شوالتر». *مطالعات ادبیات تطبیقی*. السنهٔ الرابعهٔ. ش ۱۵. صص ۵۷ ـ۸۰.

۳) حمود، ماجده. (۱۹۹۳). «الخطاب الروائی عند سحر خلیفهٔ». *الموقف الأدبی*. العدد ۲۷۲. کانون الأول. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.

۴) طلائی، مولود؛ طلائی، مهرناز. (۱۳۹۷). «بررسی رویکرد چهارگانه‌ی نقد فمینیستی الن شواالتر در رمان نقره دختر دریای کابل اثر حمیرا قادری». *پژوهش ادبیات معاصر جهان*. دوره‌ی ۲۳. صص ۴۳۳ _ ۴۶۰.

منابع لاتين

١) Bellemin-Noël, Jean. (١٩٩٦). **La psychanalyse du texte littéraire**. Paris. Nathan

٢) Castle, Gregory. (٢٠٠٦). **literary theory**. USA. Black well.

٣) Gengembre, Gérard. (١٩٩٦). **La critique littéraire**. Paris. Hachette.

٤) Showalter,E. (١٩٧٧). **A Literature of Their Own: British Women novelists from Bronte to Lessing**. New Jersey: Princeton University Press.

٥) --------, --------. (١٩٨١). «*Feminist criticism in the Wilderness».* Critical Inquiry. vol ٨, ٢. ١٧٩-٢٠٥.

التنظيرات و النقد في الأدب العربي

السنة الرابعة، العدد ١٥، خريف ١٤٠٣

صص: ٢٠ -١

DOI: ١٠.٢٢٠٣٤/JRAL.٢٠٢٥.٥٦٢٨٦٨.١٠٨٣

تحليل رواية "بنات الرياض" على أساس النقد النسوي لإيلين شوالتر (بناءً على مكونات المنهج الثقافي)

سميرا غضنفري [١]

نعيمه پراندوجي [٢]

سميه سادات طباطبائي [٣]

(تاريخ الوصول: ١٤٠٤,٠٩,٠٧، تاريخ القبول: ١٤٠٤,٠٩,٢١)

الملخص

إيلين شوالتر (١٩٤١) من منظّرات النقدية النسوية لأنجلو أمريكية اقترحت نظرية بعنوان «النقد النسوي»، وهدفها الرئيس هو النظر في إطار محدد لتحليل وتفسير أعمال النساء. ترى شوالتر، فإن للنساء كتابات أنثوية فريدة خاصة بهن بسبب تجاربهن البيولوجية والاجتماعية المشتركة، والتي تنعكس في كتاباتهن وقصصهن. بالتركيز على تحليل النصوص الأدبية، قدمت شوالتر أربعة مناهج لدراسة الأعمال الأدبية وهي: المنهج البيولوجية، واللغوية، والنفسية والثقافية. ومن بين هذه المناهج، يقوم المنهج الثقافي بتحليل الرواية من خلال المكونات العديدة مثل الاهتمام بالحياة والاستقلال الاقتصادي، واستياء المرأة من النسيان التاريخي، واكتشاف الذات والتعبير عن الواقع المحيط بالمرأة، والزواج التقليدي والقسري، والتعليم المحدود للمرأة، وإهانة المرأة وإذلالها، وعمل المرأة، وما إلى ذلك. يقوم هذ المقال بدراسة رواية «بنات الرياض» لرجاء عبدالله صانع على أساس هذا المنهج استناداً إلى المنهج الوصفى- التحليلي لكي يدرس الظروف المعيشية والمشاكل والقضايا التي تواجهها النساء والفتيات السعوديات في مطلع القرن الحادي والعشرون. تُظهر نتائج البحث أن جميع مكونات المنهج الثقافي كالعنف ضد المرأة في الأبعاد الجسدية والنفسية، والزواج التقليدي، وإذلال المرأة وإهانتها، ورغبة الرجال في التنوع في الزواج، واكتشاف المرأة لذاتها، وعمل المرأة واستقلالها المالي، والمجتمع الأبوي والقيود التي تحكم حياة المرأة، وما إلى ذلك، عُكس بشكل جيد في الرواية، وقد تمكنت الروائية أن ترسم الظروف المسيطرة على حياة المرأة السعودية آنذاك.

الكلمات المفتاحيّة: إيلين شوالتر، النقد النسوي، المنهج الثقافي، السعودي، رجاء عبدالله صانع، بنات الرياض.

---

١. طالبة ماجستير، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: Samiraghazanfari٦٧@gmail.com

٢. أستاذ مساعد، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: parandavaji@kub.ac.ir (المؤلف المسؤول)

٣. أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية العلوم الإنسانية، جامعة كوثر بجنورد، بجنورد، إيران، البريد الإلكتروني: Sst١٣٦٣@yahoo.com